

دوره نهم

رمضان - شماره نهم



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
روابط عمومی

ماه رمضان ماه توبه و انابه

هستیم، یک فرصتهائی گذاشته شده است که آن فرصتهای نماز است - وقت صبح، وقت ظهر، وقت عصر، وقت مغرب، وقت عشا، یک زنگ بیدارباش است، یک خلوت دادن به خود برای ایجاد نورانیت در دل و نفس است؛ ساعات نماز را در شبانه روز برای ما قرار دادند، برای اینکه غرق نشویم؛ از اسارت ماده یک لحظه ای بیرون بیائیم، نفسی تازه کنیم، به یاد معنویت بیفتیم، یکسره غرق در مادیات نباشیم - به نظر میرسد که در دوره ی سال هم ماه رمضان یک چنین وضعیتی را دارد؛ نفس کش روح انسانی و روح ملکوتی انسان است؛ فرصتی است که با این ریاضت طولانی یکماهه، نفس از تخته بند عوامل مادی که ما را احاطه کرده است، خلاصی پیدا کند، نجاتی پیدا کند؛ یک نفسی بکشد، نورانیتی پیدا کند. شارع مقدس، ماه رمضان را برای این قرار داده است. خوب، این فرصتی است.

در میان خصوصیات که ذکر شده است - که البته همه مهم است - آنچه که نظر بنده را جلب میکند و حالا بین من و شما که مسئولین کشور هستیم، در میان گذاشته میشود، این «شهر التوبة و الانابه» است؛ ماه توبه است، ماه انابه است.

توبه یعنی بازگشت از یک راه غلط، از یک کار غلط، از یک فکر غلط. انابه یعنی رجوع الی الله، بازگشت به سمت خدا. این توبه و انابه، به طور طبیعی یک معنائی را در خودش مندرج دارد. وقتی میگوئیم از راه خطا برگردیم، معنایش این است که نقطه ی خطا را، راه خطا را شناسائی کنیم؛ این خیلی مهم است. ما همین طور که داریم حرکت میکنیم، غالباً اینجور هستیم که از کار خودمان، از خطای خودمان، از

رمضان در کلام مقام معظم رهبری علیه السلام: «در دعاهائی که چه در صحیفه ی مبارکه ی سجادیه، چه در بقیه ی دعاهای مأثور برای ماه رمضان وارد شده است، صفاتی برای این ماه ذکر شده که هر کدام از این صفات و خصوصیات، قابل تأمل و تدبر است: «شهر التوبة و الانابه» - که من در مورد این توبه و انابه، بعد چند جمله ای عرض خواهم کرد - «شهر الاسلام»، که در دعای صحیفه ی مبارکه ی سجادیه است. مراد از اسلام هم همان چیزی است که در آیه ی شریفه آمده است: «و من یسلم وجهه الی الله و هو محسن فقد استمسک بالعروة الوثقی».[۱]

اسلام الوجه لله، یعنی دل و جان را تسلیم کردن؛ در مقابل اراده ی الهی و حکم الهی و شریعت الهی، رام قرار دادن. «شهر الظهور». ظهور یا به معنای پاک کننده است - یعنی ماهی که در آن، عنصر پاک کننده ای وجود دارد که به انسان طهارت و پاکیزگی میدهد - یا به صورت مصدر ذکر می شود؛ یعنی شهر پاک شدن از آلودگی ها و از آلیشه ا. «شهر التمحيص». تمحيص یعنی خالص شدن. فلز قیمتی آمیخته ی با فلزهای ناهمذات را وقتی که در کوره میگذارند - مثلاً طلا را - این را تمحيص می گویند. یعنی جدا کردن ذات پاکیزه ی انسانی از ناخالصی ها و ناپاکیها. اینها خصوصیات است که درباره ی این ماه ذکر شده است.

به نظر انسان اینجور می آید که ماه رمضان در بین ایام سال و ماه های سال، حکم اوقات نماز را دارد در شبانه روز. یعنی همان طوری که در شریعت مقدس اسلامی برای ما که محصور و محدود به عوامل ماده

تقصیری که میکنیم، غفلت میکنیم؛ توجه نمیکنیم به اشکالی که در کار خودمان وجود دارد. این خود، هم خود شخصی است، هم خود جماعی؛ ملت خودمان، حزب خودمان، جریان خودمان، جناح خودمان. هرچه که به خود انسان ارتباط پیدا میکند، عیوب آن غالباً مورد غفلت قرار میگیرد؛ لذا دیگران عیب ما را باید به ما بگویند. اگر خودمان میفهمیدیم و اصلاح میکردیم، نوبت نمیرسید به دیگران؛ احتیاج نبود که دیگران به ما بگویند.

تقصیری که میکنیم، غفلت میکنیم؛ توجه نمیکنیم به اشکالی که در کار خودمان وجود دارد. این خود، هم خود شخصی است، هم خود جماعی؛ ملت خودمان، حزب خودمان، جریان خودمان، جناح خودمان. هرچه که به خود انسان ارتباط پیدا میکند، عیوب آن غالباً مورد غفلت قرار میگیرد؛ لذا دیگران عیب ما را باید به ما بگویند. اگر خودمان میفهمیدیم و اصلاح میکردیم، نوبت نمیرسید به دیگران؛ احتیاج نبود که دیگران به ما بگویند.

این توبه و انابه که فرمودند، قدم اولش این است که به عیب کار توجه کنیم، بفهمیم کجای کار ما اشکال دارد؛ خطا مان کجاست، گناهمان کجاست، تقصیرمان کجاست. از شخص خودمان هم شروع کنیم، تا بعد برسیم به دایره های جماعی وسیع تر. اول شخص خود را محاسبه کنیم، ببینیم کجا اشتباه کردیم؛ این وظیفه ی همه است. از ما آدمهای معمولی که تقصیر و گناه و خطا در کارمان زیاد است، بگیرد تا انسانهای برجسته، تا بندگان صالح خدا، حتی تا اولیاء الله؛ آنها هم همین جورند، آنها هم احتیاج به استغفار دارند، آنها هم احتیاج به توبه دارند.

خوب، پیغمبر که معصوم است؛ از چی توبه میکند؟ مرحوم فیض (رحمة الله علیه) میگوید: «ان ذنوب الأنبياء و الأوصياء عليهم السلام ليس كذنوبنا بل انما هو ترك دوام الذكر و الاشتغال بالمباحات». ممکن است در کوچه و بازار و زندگی معمولی برای نبی و ولی لحظه ی غفلتی پیش بیاید؛ آن چیزی که اکثریت زندگی ما را تشکیل میدهد، برای او ممکن است یک لحظه ای پیش بیاید، مشغول و سرگرم به یک امر مباحی بشود؛ خود همین برای پیغمبر استغفار دارد. بنابراین، این مخصوص ما نیست؛ این برای همه است.

خوب، این برای کارگزاران و وظیفه ی لازم تری است. یعنی من و شما که در بخشی از کارهای کشور مسئولیتی داریم یا تأثیری داریم، در یک حوزه ی خاص اجتماعی نفوذی داریم، وظیفه مان در امر استغفار و توبه ی الی الله و انابه ی الی الله سنگین تر است؛ خیلی باید مراقب باشیم. گاهی حتی در زیر مجموعه ی من و شما یک تخلفی صورت میگیرد؛ اگر به نحوی این تخلف مستند به ما باشد، ما مسئولیم. مثل اینکه مثلاً کوتاهی کردیم در ابلاغ، کوتاهی کردیم در گزینش این شخص، کوتاهی کردیم در برخورد با تخلفات، این موجب شده است که تخلفی به وجود بیاید. «قوا

روایتی است از نبی مکرم اسلام ﷺ، که این حدیث را هم شیعه نقل کرده اند، هم اهل سنت نقل کرده اند. از قول حضرت نقل شده است که فرمود: «انّه لیغان علی قلبی»؛ دل من را غبار میگیرد، ابر میگیرد. «یغان»، «غین» به معنای «غیم» است؛ یعنی ابر. مثل روی خورشید را، روی ماه را که ابر بپوشاند، یک حالت تیرگی نسبی، جلوگیری از آن درخشش. فرمود: «لیغان علی قلبی»؛ گاهی دل مرا آن حالت ابرآلودگی و مه آلودگی فرا میگیرد. «و ائی لأستغفر الله کلّ یوم

انفسکم و اهلیکم نارا وقودها الناس و الحجارة» [۲]. اما جدا شدند، سعی کنید اینها را گرد بیاورید. این جزو موارد تقواست، که در دعای شریف مکارم الاخلاق - دعای بیستم صحیفه ی مبارکه ی سجادیه - به آن اشاره شده است. این دعا، بسیار دعای مهمی است. من عقیده ام این است که همه، بخصوص کارگزاران، باید این دعا را بخوانند و در مضامینش دقت کنند؛ تعلیم دهنده است. «و اصلاح ذات البین»؛ به جای آتش افروزی، خبرچینی، این را به جان آن انداختن، آن را در پوستین این انداختن، اصلاح ذات البین کنند؛ بین برادران مؤمن، برادران مسلمان، ایجاد ائتلاف کنند؛ اینها تقواست.

پس نتیجه این شد که در ماه رمضان در حد توان خودمان باید مراقبت کنیم، رفتار خودمان را تصحیح کنیم؛ فکرمان را، قولمان را، عملمان را تصحیح کنیم؛ بگردیم اشکالاتش را پیدا کنیم، آن اشکالات را برطرف کنیم. این تصحیح در چه جهتی باشد؟ در جهت تقوا. در آیه ی شریفه ی روزه میفرماید: «لعلکم تتقون»؛ [۳] روزه برای تقواست. بنابراین، این تلاشی که در راه ماه مبارک رمضان انجام میگیرد، در جهت تقوا باشد.

در باب تقوا من یک جمله ای اینجا یادداشت کرده ام که عرض بکنم. غالباً وقتی گفته میشود تقوا، پرهیزگاری، ذهن انسان میرود به رعایت ظواهر شرع و محرمات و واجباتی که دم دست ماست؛ نماز بخوانیم، وجوهات شرعیمان را بدهیم، روزه بگیریم، دروغ نگوئیم.

البته اینها مهم است، همه اش مهم است؛ لیکن تقوا ابعاد دیگری هم دارد که غالباً ما از اینها غفلت میکنیم. در دعای شریف مکارم الاخلاق یک فقره ای در توضیح این ابعاد دیگر هست: «اللهم صل علی محمد و اله و حلنی بحلیة الصالحین و البسنی زینة المتقین»؛ [۴]

از خدای متعال درخواست میکنند که پروردگارا! مرا با زیور صالحان زیور بده و با لباس پرهیزگاران ملبس کن. خوب، این لباس پرهیزگاران چیست؟ آن وقت این شرح جالب است: «فی بسط العدل»؛ لباس پرهیزگاران در گستردن عدالت، «و کظم الغیظ»؛ در فرو بردن خشم، «و اطفاء النائرة»؛ در فرو نشاندن آتش؛ آتشی که بین افراد جامعه برمیافروزند. اینها تقواست. «و ضمّ اهل الفرقة»؛ افرادی که از شما آیند،

ضعیف میدانند، ملاحظه کنند، مراعات کنند، دفع نکنند. آن کسانی که جزو مجموعه هستند، لیکن بر اثر اشتباه و غفلت کنار افتادند، جدا افتادند، اینها را به خود بیاورند؛ اینها را نصیحت کنند، دلالت کنند، راه را به آنها نشان بدهند، آنها را برگردانند. اینها مسائل اساسی است.

پس اینها شد تقوا، اینها شد راه های توبه و انابه؛ «شهر التوبه»، «شهر الانابه». منتها جالب این است که روزه و این ماه، یک عمل جمعی است؛ یک عمل فردی نیست. یعنی همه روزه ایم، همه داخل این ماهیم، همه سر این سفره نشستیم؛ همه ی افراد جامعه ی اسلامی، امت اسلامی. وقتی که میخواهیم این نصایح را، این توصیه های مهم کتاب و سنت را عمل کنیم، اگر همه خود را مخاطب آن بدانیم، ببینید در دنیای اسلام چه اتفاقی میافتد؛ در دایره ی محدودتر در کشور چه اتفاقی میافتد. قدر این ماه را باید دانست. قدر دانستنش هم به همین است که واقعاً ماه را ماه توبه قرار بدهیم، ماه انابه قرار بدهیم، ماه تطهیر قرار بدهیم، ماه تمحیص قرار بدهیم؛ برویم به سمت این چیزها.» [۶]

منبع: khamenei.ir

پی نوشت ها

- [۱] لقمان: ۲۲
- [۲] تحریم: ۶
- [۳] بقره: ۱۸۳
- [۴] صحفیه ی سجادیه، دعای ۲۰
- [۵] توبه: ۱۵
- [۶] بیانات مقام معظم رهبری در ۱۳۸۹/۵/۲۷

مؤمنین، در بین افرادی که مأمور به رفتار مسلمانی با آنها هستیم، خشم و حالت عصبانیت نباید باشد. خشم به انسان ضرر میزند. تصمیم گیری با خشم مضر است، حرف زدن با خشم مضر است، کار کردن با خشم مضر است، غالباً دچار غلط و اشتباه است؛ این چیزی است که ماها متأسفانه خیلی ابتلاء پیدا میکنیم. جلوگیری از این خشم، خشمی که موجب انحراف میشود، موجب خطای در فکر و عمل میشود، یکی از موارد تقواست؛ «و کظم الغیظ».

کار دیگر، «اطفاء النائرة». بعضیها آتش افروزی های سیاسی و جناحی میکنند. عده ای کانه برای این کار مأموریت دارند. من میبینم در داخل کشور خودمان که یک عده ای میخواهند اصلاً عناصر گوناگون را، جناحهای مختلف را، افرادی از هر یک از جناحها را به جان هم بیندازند و اختلاف ایجاد کنند؛ کانه اصلاً از آتش افروزی خوششان می آید؛ این خلاف تقواست. تقوا این است: «اطفاء النائرة». همچنان که در یک محیط مادی و فضای مادی، شما یک آتش افروزی را اطفاء میکنید، باید در فضای انسانی و معنوی و اخلاقی هم آتش سوزیها را مهار و اطفاء کنید. و همین طور: «و ضمّ اهل الفرقة».

ما عرض کردیم جذب حداکثری، دفع حداقلی. البته معیار و میزان، اصول و ارزشهاست. انسانها از لحاظ ایمان در یک حد نیستند. ما در بین خودمان آدمهائی داریم ضعیف الایمان، آدمهائی داریم که ایمانشان قویتر است. باید راه بیائیم. نمیشود ضعیف الایمان را دفع کرد، نمیشود فقط به کسانی چشم دوخت که قویالایمانند؛ نه، ضعفا را هم باید در نظر داشت. کسانی که خودشان را قوی میدانند، آن کسانی را که



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا
لِلْآلَاءِ الْعَذَابِ
الَّذِينَ يُصِيبُكَ
اللَّهُ سُبْحَانَ اللَّهِ
عَنْ مَوَدَّاتِ الْبَصَرِ

